

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

آزاد ل.
۱۰/۰۹/۱۴

صحبت های رفیقانه

گویند روزی خوجه نین ربانی از راهی میگذشت. دید خری لاغر اندام و ضعیفی در آن راه به آهستگی در حالت تفکر غرق در خیال های خراشه خود روان است و گاهی هم توفقی میکند جناب شان با ترحمی که به نسل بی زبان ها دارند خواستند از احوال این مظلوم جویا شده تا اگر بتوانند فی سبیل الله کمکی بدون چشم داشت و توقع انجام بدهند فلها پهلوی او ایستاده و خیلی ها با مهربانی و دلسوزی که عادت شان بود به زبان خریت (جناب شان تمام زبانهای حیوانی را بلد هستند) پرسید:

س- برادر خرم کجا میروی؟

ج- اسلام و علیکم و رحمة الله و برکاته. میروم به پارلمان تا رأی اعتماد بگیرم.

س- مگر چکاره شدی؟

ج- از خیرات سر رفقاء وزیر شدم

س- آیا مطمئن هستی رأی مثبت بگیری؟

ج- چرانی. مگر من از دیگران چه کم دارم

س- اگر نگرفتی چی؟

ج- مطمئن استم برای اینکه به جز چند نفر شان بقیه همه از جنس برادران و رفقای انقلابی ۷ ثورخودم هستند

س- نصف دمت نیست چرا؟

ج- آخر بعضی از برادران و رفیق ها بی ریش بودند کمی از آن را بریده اند و کم کمک به آنها تقسیم نمودند تا در روی شان یک چیزی باشد به نام ریش.

س- چرا گوش هایت ضعیف است و خوبتر نمیشوی؟

ج- مگر خری که وزیر میشود مجبور است همه چیز را درست بشنود؟

س- چرا شکمت مثل خران دگر بزرگ نیست؟

ج- من تازه وزیر شده ام سال دگر بیا و ببین.

- س- پاهایت کمی کج است؟
- ج- مدتی در آخور آی.اس.آی کج ایستاده خوراک داشتیم
- س- چرا لهجه حرف زدنت شکسته است؟
- ج- چند سال برادران آخند ایرانی بر من سوار بودند.
- س- گردنت خیلی بزرگ است.
- ج- آخر در نشست ها گاهی هم به قبرس و امارات میرفتم
- س- در راه که میروی کمی مواد فضله ات ریخته است
- ج- فرقی ندارد رفیقان و برادران من آنقدر درین ملک فضله ریخته اند که چند نسل دیگر نمیتوانند پاکش کنند
- س- چرا آهسته میروی
- ج- من از جمله میانه روان هستم
- س- میتوانی چند خر تند رو را به من نشان بدهی؟
- ج- خودت بهتر از من میشناسی.
- س- ببینم ازدواج کردی؟
- ج- بلی
- س- عیال تان کجاست؟
- ج- با ستر و با حجاب در لندن است گاهی هم به لاس وگاس برای تفریحات سالم میرود
- س- چرا خودت اینجا عیال آنجا؟
- ج- برای احتیاط . اگر روزی گلگلمیری شود مسؤولیتی متوجه من نخواهد بود و مجبور به دفاع از ناموس نخواهم بود
- س- به! به! برای اولین بار خر با ناموس می بینم
- ج- بلی ما را وطن فروش میگویند فرق ندارد ناموس فروش میگویند مهم نیست چیزی که مهم است این است که نمیخواهم به زن من که هر دو سال یا سه سال آنرا می بینم کسی بگوید بی حجاب رفته بود به یک میخانه در شیکاگو
- س- این همه مصارف را از کجا تهیه میداری؟
- ج- مگر خر بی پول تا حال دیده ای؟
- س- با این فکر های عالمانه وشیطانی که داری از بازخواست ملت نمیترسی؟
- ج- نی جانم. تا این ملت خر شناس شود وقت زیاد کاردارد
- س- میخواهی چیزی به هم جنسان خود بگوئی
- ج- میخواهم بگویم این شعر ایرج مرزا را نادیده بگیرندکه میگوید:

دردا و حسرتا که جهان شد به کام خر زد چرخ سفته سکه دولت به نام خر
روزی که جلسه وزراء منعقد شود در بار چون طویله شود زازدحام خر
امروز روز خرخری و خر سواربست فرداست زمان خر کشی و انتقام زخر

س- چرا این شعر را تا آخر نخواندید؟

ج- مگر از خر بیش ازین میتوان توقع داشت ؟؟؟؟

س- ببین این بی عدالتی را که همیشه من با خران صحبت میکنم اما همیشه عکس دیگران را با خر بزرگ چاپ میکنند

ج- خواهش میکنم به خر تو هین نکنید

خوجه ئین ربانی بعد ازین صحبت ها سر خود را تکان داده و افسوس کنان از آنجا دور شد